



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده اقتصاد و حسابداری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش : حسابداری

عنوان :

اثر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر روی نوع موسسه حسابرسی منتخب

استاد راهنما : دکتر فرزانه حیدرپور

استاد مشاور : دکتر احمد یعقوب نژاد

پژوهشگر : ایمان فیصلی

زمستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به : مادر عزیزم

**تشکر و قدردانی : از سرکار خانم دکتر فرزانه حیدرپور و جناب آقای
دکتر یعقوب نژاد و آقای بهائین و کلیه دوستانی که مرا در انجام و
تکمیل این پایان نامه یاری رساندند .**

چکیده پایان نامه

راهبری شرکتی سیستمی است که شرکت‌ها با استفاده از آنها راهنمایی و کنترل می‌شوند، بنابراین عمدتاً با مسائل مدیریتی و مالکیت در ارتباط است. حاکمیت شرکتها در برگیرنده انواع متفاوتی از ترکیبات سازماندهی شده و یا روشهایی برای ایجاد توازن در میان قدرت و مسئولیت است. هدف از انجام این تحقیق بررسی ارتباط دو متغیر اساسی در نظام حاکمیت شرکتی یعنی تمرکز مالکیت و میزان نفوذ مدیران با کیفیت حسابرسان منتخب است که در دوره ۱۳۸۵-۱۳۸۹ با استفاده از رگرسیون لاجستیک مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج نشان داد که متغیر تمرکز مالکیت رابطه معنی‌داری با کیفیت حسابرسان منتخب ندارد. نتایج همچنین نشان داد که هر چه نفوذ مدیران بیشتر باشد، شرکتها، حسابرسان با کیفیت پایین را انتخاب می‌کنند.

واژه های کلیدی: حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی، تمرکز مالکیت، نفوذ مدیران

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول - کلیات طرح

۲	۱-۱- مقدمه
۴	۲-۱- مسأله تحقیق
۶	۳-۱- اهداف تحقیق
۸	۴-۱- اهمیت موضوع
۹	۵-۱- فرضیه‌های تحقیق
۱۱	۶-۱- مدل تحقیق
۱۲	۷-۱- تعاریف عملیاتی متغیرها
۱۲	۱-۷-۱- متغیر وابسته
۱۳	۲-۷-۱- متغیرهای مستقل
۱۳	۸-۱- روش تحقیق
۱۵	۹-۱- قلمرو تحقیق
۱۵	۱۰-۱- جامعه آماری و نمونه آماری
۱۶	۱۱-۱- ساختار کلی تحقیق

فصل دوم - مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱۹	۱-۲- مقدمه
۲۰	۲-۲- حاکمیت شرکتی
۲۳	۱-۲-۲- مدل‌های نظام راهبری شرکتی
۲۵	۲-۲-۲- مکانیزم‌های نظام راهبری شرکت
۲۵	۱-۲-۲-۲- مدل ترازنامه
۲۶	۲-۲-۲-۲- مدل فراترازنامه
۲۸	۳-۲-۲- هیئت مدیره
۲۸	۱-۳-۲-۲- تعداد اعضای هیئت مدیره (اندازه)
۲۹	۲-۳-۲-۲- تفکیک تصدی پست مدیریت عامل و ریاست هیات مدیره
۳۰	۳-۳-۲-۲- کمیته‌های هیات مدیره
۳۱	۴-۳-۲-۲- تعداد و تناوب جلسات هیات مدیره و کمیته‌های مربوطه
۳۱	۵-۳-۲-۲- ترکیب هیئت مدیره
۳۳	۶-۳-۲-۲- مدل‌های مختلف ترکیب هیئت مدیره
۳۵	۴-۲-۲- نوع مالکیت شرکت‌ها

۳۶	۱-۴-۲-۲- ساختارهای مالکیت
۳۸	۲-۴-۲-۲- تأثیر ساختار مالکیت بر کارایی شرکت
۴۰	۳-۴-۲-۲- مالکیت مدیران
۴۲	۵-۲-۲- تاریخچه حاکمیت شرکتی
۴۷	۳-۲- تاریخچه حرفه حسابرسی
۵۳	۱-۳-۲- کیفیت حسابرسی و معیارهای آن
۵۹	۴-۲- رابطه حاکمیت شرکتی و نقش نظارتی حسابرس
۶۳	۵-۲- پیشینه تحقیق
		فصل سوم - روش پژوهش
۷۴	۱-۳- مقدمه
۷۵	۲-۳- تعریف پژوهش
۷۶	۳-۳- فرضیه‌سازی و ملاک‌های انتخاب فرضیه
۷۶	۴-۳- فرضیه‌های پژوهش
۷۷	۵-۳- متغیرهای پژوهش
۷۷	۱-۵-۳- متغیرهای مستقل
۷۷	۲-۵-۳- متغیر وابسته
۷۸	۶-۳- جامعه و نمونه آماری
۷۹	۷-۳- روش انجام پژوهش و روش گردآوری داده‌ها
۸۲	۸-۳- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها
۸۵	۱-۱-۳- رگرسیون چند متغیره
۸۶	۲-۱-۳- آزمون فروض کلاسیک
۸۶	۱-۲-۸-۳- نبود خود همبستگی
۸۸	۲-۲-۸-۳- واریانس ناهمسانی جملات خطا و اصلاح آن
۹۰	۳-۲-۸-۳- هم‌خطی ^۱ و اصلاح آن
۹۱	۳-۱-۳- روش‌های آزمون فرضیه‌ها
۹۲	۴-۱-۳- تحلیل همبستگی
۹۲	۱-۴-۸-۳- ضریب تعیین و ضریب تعیین تصحیح شده
۹۳	۲-۴-۸-۳- ضریب همبستگی
۹۴	۵-۱-۳- آزمون معنی‌دار بودن در الگوی رگرسیون
۹۴	۱-۵-۸-۳- آزمون معنی‌دار بودن معادله رگرسیون

۹۵	۳-۸-۵-۲- آزمون معنی دار بودن ضرایب
۹۵	۳-۱-۶- روش استفاده از داده‌ها
۱۰۰	۳-۱-۷- رگرسیون لجستیک
۱۰۳	۳-۹- خلاصه فصل
		فصل چهارم - تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش
۱۰۶	۴-۱- مقدمه
۱۰۷	۴-۲- آزمون فرضیه‌ها
۱۰۷	۴-۲-۱- بررسی آمار توصیفی متغیرها
۱۰۹	۴-۲-۲- بررسی همبستگی بین متغیرهای پژوهش
۱۱۱	۴-۲-۳- آزمون فرضیه‌های تحقیق
۱۱۷	۴-۳- خلاصه فصل
		فصل پنجم - نتیجه‌گیری و پیشنهادات پژوهش
۱۱۹	۵-۱- مقدمه
۱۲۰	۵-۲- مروری بر نتایج به دست آمده از پژوهش
۱۲۴	۵-۳- پیشنهادهای ناشی از یافته‌های پژوهش
۱۲۴	۵-۴- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی
۱۲۵	۵-۵- محدودیت‌های پژوهش
۱۲۵	۵-۶- خلاصه فصل
۱۲۷	فهرست منابع
۱۳۲	پیوستها
۱۵۴	چکیده به زبان انگلیسی

فصل اول

کلیات طرح

۱-۱- مقدمه

حسابداری اغلب در کنار حسابرسی به منظور محدود کردن مدیران از اعمال نظر بیش از اندازه در مصرف منابع تحت اختیار آنها مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین در طی قرن‌ها، حسابداری در تقسیم بازده میان گروه‌های مختلف درگیر با شرکت استفاده شده است. از آن جمله، استفاده از آن در قرارداد پاداش مدیریت که مربوط به تخصیص بازدهی می‌باشد. همچنین برای تعیین مقادیر قابل تخصیص به دارندگان حقوق در شرکت نیز از حسابداری استفاده شده است. توزیع سود نقدی بر مبنای سود حسابداری به طور اختیاری در اساس‌نامه‌های شرکت‌ها در اوایل قرن نوزدهم، زمانی که شرکت‌ها شروع به استقراض کردند، قرار می‌گرفته است.

در پایان قرن نوزدهم در انگلیس و در پایان دهه اول قرن بیست در آمریکا، حسابداری به شکل جدید خود رشد نمود. جریان نقدی از طریق ارقام تعهدی به منظور به دست آمدن سود حسابداری در شکل امروزی خود تعدیل شد. شرکت‌های حسابرسی حرفه‌ای نیز ظهور کردند. در سال ۱۹۰۰ اکثر شرکت‌هایی که در بورس سهام لندن پذیرفته شده بودند توسط حسابرسان حسابرسی شدند ولو اینکه هیچ الزام قانونی برای چنین حسابرسی وجود نداشت.

هدف این تحقیق بررسی ارتباط بین مکانیزمهای حاکمیت شرکتی و تصمیمات مربوط به انتخاب حسابرس است. مطالعات انجام شده در مورد انتخاب حسابرس بطور قبل توجهی در آمریکا (چاو و ریس^۲، ۱۹۸۲؛ کوپلی و دوئت^۳، ۲۰۰۲؛ کوپلی و همکاران، ۱۹۹۵؛ دی‌آنجلو^۴، ۱۹۸۲؛ گیگر^۵ و همکاران،

² Chow & Rice

³ Copley & Douthett

⁴ DeAngelo

⁵ Geiger

۱۹۹۸؛ هوگون^۶، ۱۹۹۷؛ هودایب و کوکی^۷، ۲۰۰۵؛ جانسون و لیس^۸، ۱۹۹۰؛ کریشنان^۹، ۱۹۹۴؛ لی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۴ و پیتمن و فورتین^{۱۱}، ۲۰۰۴) و مطالعات موردی در کشورهایی مانند استرالیا (بتی^{۱۲}، ۱۹۸۹ و کراسول^{۱۳}، ۱۹۸۸)، نیوزلند (فیرث^{۱۴}، ۱۹۹۹ و فیرث و اسمیت^{۱۵}، ۱۹۹۲) و انگلستان (بتی و فرنلی^{۱۶}، ۱۹۹۵ و چانی^{۱۷} و همکاران، ۲۰۰۴) صورت گرفته که از لحاظ شرایط محیط حسابرسی تقریباً مشابه هستند. یکی از دلایل بررسی بازارهای حسابرسی در این کشورها به صورت گسترده، داشتن بازار سرمایه توسعه یافته در این کشورها است. به هر حال، مطالعات تجربی کمتری در مورد تصمیمات مربوط به انتخاب حسابرس در اقتصادهای نوظهور علی‌رغم تاثیر قابل ملاحظه بر گزارشگری مالی و عملیات بازار سرمایه، صورت گرفته است. اقتصادهای نوظهور که از توسعه‌یافتگی کمتری برخوردارند، از لحاظ محیط حسابرسی با کشورهای توسعه‌یافته تفاوت بسیار زیادی دارند (فان و ونگ^{۱۸}، ۲۰۰۵ و وودوارد^{۱۹}، ۱۹۹۷).

تصور غالب بر این است که هیئت مدیره شرکت‌ها در شرایط ناپایدار اقتصادی^{۲۰} نقش تعیین کننده‌تری برای شرکت ایفا می‌نمایند. گارسیا لارا^{۲۱} و همکاران (۲۰۰۷) اعتقاد دارند که حضور اعضای غیرموظف در هیئت مدیره شرکت در بازارهای نوظهور، که با کمبود نقدینگی کافی و زیرساخت‌های بنیادی مواجه‌اند تاثیر مثبتی بر عملکرد شرکت خواهند داشت.

⁶ Hogon

⁷ Hudaib & Cooke

⁸ Johnson & Lys

⁹ Krishnan

¹⁰ Lee

¹¹ Pittman & Fortin

¹² Beatty

¹³ Craswell

¹⁴ Firth

¹⁵ Smith

¹⁶ Beattie & Fearnley

¹⁷ Chaney

¹⁸ Fan & Wong

¹⁹ Woodward

²⁰ Economic Instability

²¹ GARCI'A LARA

مطالعات انجام شده حاکی از آن است که هرچه تمرکز مالکیت در شرکت بالاتر باشد و مدیرعامل به عنوان یکی از ارکان اجرایی شرکت، عضو هیئت مدیره نیز باشد، یعنی مکانیزم حاکمیت شرکتی ضعیف باشد، تقاضا برای استفاده از حسابرسان باکیفیت تر کاهش می‌یابد.

در این تحقیق تاثیر معیارهای حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت و نفوذ مدیران) بر کیفیت حسابرسان منتخب در شرکتهای بورس و اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت.

۱-۲- مسأله تحقیق

از جمله مسائل مهمی که در سالهای اخیر به موجب رسوایی‌های گسترده مالی در سطح شرکتهای بزرگ مورد توجه محققان قرار گرفته و به یکی از موضوعات مهم برای سرمایه‌گذاران مطرح گردید موضوع حاکمیت شرکتی^{۲۲} است که به لزوم نظارت بر مدیریت و تفکیک واحد اقتصادی از مالکیت آن و در نهایت حفظ حقوق سرمایه‌گذاران و ذینفعان می‌پردازد.

جدایی مالکیت از مدیریت می‌تواند منجر به رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت و افزایش مشکلات موسسات گردد. مالکان برای اطمینان از عملکرد مدیران طبق منافع آنها، برنامه‌ریزی‌های قراردادی باید بین مالکان و مدیران تنظیم می‌شود. مالکان برای اطمینان از اینکه مدیریت بر طبق منافع آنها عمل می‌کند، مراقبت‌های خارجی به وسیله حسابرسان مستقل را مدنظر قرار خواهند داد. حسابرسان مستقل نقش اساسی در تحکیم اطمینان نسبت به گزارشات مالی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی دارند. به علاوه، از اطلاعات مالی حسابرسی شده برای تمایز قائل شدن بین موسسات بازرگانی با دیدگاه‌های متفاوت استفاده می‌شود.

به جهت تضادهای متفاوت طبیعی بین واحدهای تجاری، تقاضاهای ناهنجار برای حسابرسی مستقل به جهت ارائه خدمات به عنوان مشاهده عملکرد وجود دارد که با مراحل متفاوت کیفیت حسابرسی

²² Corporate Governance

تعریف شده است. کیفیت حسابرسی به دو مطلب اشاره دارد: توانایی کشف اظهارات غلط و تمایل به گزارش اظهارات غلط که در مدیریت حسابرسی پوشش داده شده‌اند.

مباحثی که در اینجا مطرح است نشان می‌دهد که چرا شرکت‌ها حساب‌برسان باکیفیت‌تری را برای نظارت بر عملکردشان به خدمت می‌گیرند. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که تقاضا برای استفاده از حساب‌برسان باکیفیت‌تر به شکل معکوسی مرتبط با مالکیت حفظ شده می‌باشد. با ساختار مالکیت متمرکز و با ضعیف شدن نظارت داخلی شرکتها استفاده از حساب‌برسان باکیفیت با ابهام مواجه می‌شود.

بنابراین شرکتهایی که با مالکان کنترل‌شده بیشتری روبرو می‌شوند بیشتر در انتخاب حساب‌برسان با کیفیت پایین‌تر اشتیاق نشان می‌دهند. آنها می‌توانند به سادگی منافع شخصی و خصوصی را تحت بررسی و کنترل سطوح پایین‌تر حفظ نمایند.

از طرفی دیگر تحت ساختار حاکمیت شرکتی، هیئت مدیره (BOD)، برای اطمینان از فعالیت مدیریت در راستای منافع سهامداران تشکیل می‌شود. برخی از اعضاء هیئت مدیره همزمان عهده‌دار دو مسئولیت هستند (که شامل مدیرعامل (CEO) نیز می‌شود)، در نتیجه آنها با نظارت و ارزیابی کمتری در مدیریت مواجه خواهند بود. برخی مطالعات تجربی نشان داد که یک واحد تجاری با کنترل ضعیف حاکمیت شرکتی یا مدیریت سلطه‌جوی کسب درآمد، امکان بیشتری در ترکیب مدیرعامل و موقعیت هیئت مدیره دارد. در این صورت این شرکتها تمایل به استفاده از موسسات حسابرسی با کیفیت پایین‌تری را دارند (جانلین و مینگ لیو، ۲۰۰۹).^۱

به همین دلیل، این تحقیق موضوع ساختارهای حاکمیتی را از دو بعد: (الف) ساختار مالکیت متمرکز یا پراکنده (وجود مالکان زیاد با سهم کمتر) مدنظر قرار داده و همچنین (ب) ترکیب و تعداد اعضای هیئت مدیره که به جهت تفکیک وظایف نقش مهمی در نحوه انتخاب حساب‌برس مستقل دارند.

¹Z. Jun Lin, Ming Liub

با رشد سریع و روزافزون بازارهای جهانی و اهمیت یافتن سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران، این تحقیق در پی بررسی چگونگی انتخاب حسابرس توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس و اوراق بهادار تهران است و اینکه آیا بین متغیرهای حاکمیت شرکتی با کیفیت حسابرسان منتخب رابطه معنی‌داری وجود دارد یا خیر.

حاکمیت شرکتها در برگیرنده انواع متفاوتی از ترکیبات سازماندهی شده و یا روشهایی برای ایجاد توازن در میان قدرت و مسئولیت هستند که با سهامداران شرکتها انجام می‌شود و مدیران و کارکنان را نیز در برمی‌گیرد. همان‌گونه که تشریح شد، پژوهش حاضر درصدد روشن ساختن ارتباط بین مکانیزم حاکمیت داخلی شرکت‌ها و تصمیمات انتخاب حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، با توجه به این مقدمه سوالات این پژوهش به صورت زیر مطرح شدند:

سوال اول: آیا بین تمرکز مالکیت و موسسه حسابرسی منتخب از نظر کیفیت حسابرسی رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

سوال دوم: آیا بین نفوذ مدیران و موسسه حسابرسی منتخب از نظر کیفیت حسابرسی رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

۱-۳- اهداف تحقیق

تضاد منافع سهامداران با مدیریت یکی از موضوعات مهمی است که طی دهه‌های اخیر مورد توجه محققین بوده است. هدف اولیه شرکت‌ها افزایش ثروت مالکان است، لیکن به دلیل وجود تضاد منافع، مدیران لزوماً همیشه در پی کسب حداکثر منافع برای مالکان نخواهد بود (نوروش و همکاران، ۱۳۸۸) که به این تضاد منافع مشکلات نمایندگی گویند. این تضاد منافع بین مدیران و مالکان از آنجا ناشی می‌شود که مدیران دارایی‌هایی را اداره و کنترل می‌کنند که منافع زیادی در آن ندارند (احمد و

دیولمان^{۲۳}، ۲۰۰۷). این تضاد منافع به وسیله تنظیم قراردادهای موثر به دلیل پرهزینه بودن حل نخواهد شد. همچنین تنظیم و اجرای یک قرارداد کامل نیز در دنیای امروزی غیرممکن است. در نتیجه مکانیسم‌های نظارت راهبردی^{۲۴} برای کم کردن این تضادها ایجاد گردید. این سیستم‌ها (مانند سرمایه‌گذار نهادی، هیئت مدیره، ساختار مالکیت، مدیریت توسط مالکان و ...) از نظر هزینه و منفعت متفاوت هستند، ولی ایجاد یک سیستم بهینه نظارت راهبردی باعث افزایش ارزش شرکت خواهد شد. احمد (۲۰۰۲) بیان می‌کند که محافظه‌کاری حسابداری یک نقش مهم در کاهش تضاد منافع بین سهامداران و دارندگان اوراق بدهی در رابطه با سیاست تقسیم سود بازی می‌کند و هزینه‌های بدهی شرکت را کاهش می‌دهد و همچنین می‌تواند به کاهش هزینه‌های نمایندگی کمک کند.

این تحقیق به بررسی ارتباط بین مکانیزم حاکمیت داخلی شرکت‌ها و تصمیمات انتخاب حسابرسان در شرکتهای پذیرفته شده در بازار بورس و اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

یکی از دلایل بررسی بازار در کشورهای توسعه‌یافته، اعتبار مالی شرکت‌ها در گزارشات مالی و کارکرد بازار سرمایه می‌باشد. کیفیت حسابرسی مستقل مستقیماً حاکمیت شرکتها و عملکرد آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همواره بین بررسی باکیفیت‌تر با ارتقاء حاکمیت شرکتی و نیز بکارگیری حسابرسی با کیفیت پایین‌تر با حفظ دستاورد و مکانیزم ضعیف‌تر شرکت‌ها رابطه وجود دارد.

نتایج تجربی نشان داده است که شرکت‌ها با سهامداران بزرگ و یکسان بودن مدیرعامل و هیئت مدیره به احتمال کمتر یک حسابرس با کیفیت بالا را انتخاب می‌کنند. همچنین زمانیکه نرخ هزینه سرمایه در مقایسه با نرخ سوددهی، بیشتر باشد، در این شرایط شرکت‌ها با حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر تمایل دارند حسابرسان با کیفیت پایین‌تر را انتخاب کنند به منظور اینکه شفافیت سود خود را تقویت کنند.

²³ Ahmed and Duellman

²⁴ Corporate Governance

۱-۴- اهمیت موضوع

جهان در ده سال گذشته شاهد تغییرات مهمی در بخش خصوصی، توسعه اقتصادی و ایجاد شغل بوده است. با توجه به اینکه کشورهای بیشتری از نگرش بازار-محور، در سیاست اقتصادی پیروی کرده‌اند، بنابراین آگاهی از اهمیت بنگاه‌های خصوصی در زمینه رفاه افراد افزایش یافته است. همزمان با اتکای روزافزون اقتصاد به بخش خصوصی در سراسر جهان، حاکمیت شرکتی نیز اهمیتی بیش از پیش یافته است. حاکمیت شرکتی به ساز و کارهایی مربوط است که شرکت‌ها به کمک آن کار می‌کنند و کنترل می‌شوند. (حسینی، ۱۳۸۶).

توسعه اقتصادهای بازار در اروپای مرکزی و شرقی و دستیابی قریب‌الوقوع برخی از این کشورها به عضویت اتحادیه اروپا این دیدگاه را تقویت کرده است که حاکمیت شرکتی دارای اهمیتی اساسی برای فرآیند تحول و گذار، بازسازی اقتصادی و رشد کشورهای سوسیالیستی است. شلیفر و ویشنی (۱۹۹۷) معتقد بودند که حاکمیت شرکتی موثر یا از طریق یک چارچوب قانونی پیشرفته و بازار سرمایه فعال ایجاد می‌شود یا از طریق مالکیت متمرکز. این تحلیل توسط پیستور و سایرین (۲۰۰۰)، با تأکید بیشتر بر اثربخشی و تاثیر نهادهای قانونی و تامین مالی خارجی، به اقتصادهای در حال گذار بسط داده شد. حاکمیت شرکتی اثربخش یک عامل بنیادی در فرآیند بازسازی اقتصادهای در حال گذار است. این سیستم با تطبیق دادن و تنظیم کردن تضاد منافع و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه و متقلبانه عملکرد شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد، کیفیت اطلاعات موجود برای مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه را ارتقا داده و دستیابی به سرمایه خارجی را تسهیل می‌کند. تمام اقتصادهای در حال گذار، پیشرفت‌های زیادی در بسط چارچوب حاکمیت شرکتی داشته‌اند و به سمت انطباق با اصول OECD به صورت اختیاری یا اجباری حرکت کرده‌اند (هشی، ۲۰۰۳). در این قسمت، بر اساس تحقیقی که هشی (۲۰۰۳) در کشورهای آلبانی، بلغارستان، چک، لیتوانی، مقدونیه، لهستان، رومانی، روسیه و اسلوانی انجام داده

است، برخی از ابعاد مهم حاکمیت شرکتی در اقتصادهای در حال گذار مورد بررسی قرار می‌گیرد. (حساس یگانه و مداحی، ۱۳۸۷)

اهمیت این موضوع از جنبه دیگر قابل بررسی است و آن این است که موسسات حسابرسی بعنوان یک واحد اقتصادی شامل قوانین اقتصادی نیز می‌گردند. بدین نحو که همان قوانین حاکم بر اقتصاد کالا و خدمات را می‌توان به خدمات حرفه حسابرسی نیز تسری داد. و این در حالیست که در اقتصاد مدیریت دو فلسفه در رابطه با واحدهای اقتصادی وجود دارد: (الف) فلسفه تولیدگرایی و (ب) فلسفه مشتری‌گرایی

بنابراین موسسات حسابرسی بعنوان ارائه‌کنندگان نوعی خدمت، بایستی نیازها و توقعات شرکتهای دریافت‌کننده خدمات را بشناسند تا بتوانند در جهت برآورد این خواسته‌ها قدم بردارند. همچنین می‌توان چنین استنباط کرد که شناخت آنچه که صاحبکاران بدنبال آن هستند همچون شناخت ویژگی‌های مطلوب یک کالا از دید مصرف‌کنندگان، با اهمیت و تعیین‌کننده است. (جانلین و مینگ لیو، ۲۰۰۹).

یکی دیگر از جنبه‌های این تحقیق تازگی آن در ایران است چرا که تا کنون هیچگونه تحقیقی در رابطه با تاثیر ترکیب حاکمیت شرکتی بر کیفیت موسسات حسابرسی منتخب انجام نشده است و با توجه به اهمیت موارد فوق انجام چنین تحقیق و مطالعه‌ای لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۵- فرضیه‌های تحقیق

مطالعات انجام شده حاکی از آن است که تقاضا برای استفاده از حسابرسان باکیفیت‌تر به شکل معکوسی مرتبط با مالکیت حفظ شده می‌باشد. با ساختار مالکیت متمرکز و با ضعیف شدن نظارت داخلی شرکتها استفاده از حسابرسان باکیفیت با ابهام مواجه می‌شود. بنابراین شرکتها با تمرکز مالکیت بالاتر بیشتر به انتخاب حسابرسان با کیفیت پائین‌تر اشتیاق نشان می‌دهند.

بنابراین فرضیه اول این تحقیق به شکل زیر مطرح شد:

فرضیه اول: بین تمرکز مالکیت و موسسه حسابرسی منتخب از نظر کیفیت حسابرسی رابطه معنی دار وجود دارد.

بر پایه این فرضیه می توان اظهار داشت که در شرکت های با تمرکز مالکیت بالاتر (وجود سهامداران با درصد مالکیت بالای ۱۵٪) با احتمال کمتری یک حسابرس با کیفیت بالا را انتخاب می کنند. تحت ساختار حاکمیت شرکتی معاصر، هیئت مدیره برای اطمینان از فعالیت مدیریت در راستای منافع سهامداران تشکیل می شود. هیئت مدیره برای اجرای تصمیمات اتخاذ شده در مجامع سهامداران و نیز انتخاب و عزل مدیران ارشد اجرایی تشکیل می شود. برخی از اعضای هیئت مدیره همزمان سمت اجرای شرکت را نیز بر عهده دارند (که شامل مدیرعامل نیز می شود) در نتیجه آنها با نظارت و ارزیابی کمتری در مدیریت مواجه خواهند بود.

در مورد هیئت مدیره عملکرد موثر با ساختار کنترل شده ای انجام می شود و تفکیک موقعیت مدیرعاملی از عضو هیئت مدیره بودن در ارتباط با تاثیر نظارت داخلی شرکت و مکانیزم آن اقدامی ضروری می باشد.

برخی مطالعات تجربی نشان داد که یک واحد تجاری با کنترل ضعیف حاکمیت شرکتی یا مدیریت سلطه جوی کسب درآمد، امکان بیشتری در ترکیب مدیرعامل و موقعیت هیئت مدیره دارد. در این صورت این شرکتها تمایل به استفاده از موسسات حسابرسی با کیفیت پایین تری را دارند (جانلین و مینگ لیو، ۲۰۰۹).

با توجه به مطالب ذکر شده فرضیه دوم تحقیق به صورت زیر مطرح شد:

فرضیه دوم: بین نفوذ مدیران و موسسه حسابرسی منتخب از نظر کیفیت حسابرسی رابطه معنی دار وجود دارد.

بر اساس این فرضیه می توان گفت در شرکتهایی که مدیرعامل، عضو هیات مدیره نیز است، با احتمال کمتر حسابرسان با کیفیت بالا انتخاب می شوند.

۱-۶- مدل تحقیق

برای هر دو فرضیه فوق از مدل رگرسیون لجیت به صورت زیر استفاده می‌شود. در این پژوهش رابطه بین متغیرهای حاکمیت شرکتی با کیفیت حسابرسان منتخب، با استفاده از تحلیل‌های رگرسیونی لجستیک^{۲۵} به صورت زیر بررسی شده است (جانلین و مینگ لیو، ۲۰۰۹):

$$\ln\left(\frac{PAUD}{1-PAUD}\right) = \beta_0 + \beta_1 LSH + \beta_2 CEOCHR + \beta_3 LNASSET + \beta_4 ATR + \beta_5 ROA + \beta_6 CURR + \beta_7 DA + \beta_8 ABBETA + \varepsilon$$

که در آن:

$\frac{PAUD}{1-PAUD}$: نسبت احتمال انتخاب حسابرس با کیفیت به احتمال عدم انتخاب حسابرس با کیفیت است.

LSH: متغیر مجازی نشان دهنده تمرکز مالکیت که معیاری برای ساختار مالکیت است. شرکتهایی که درصد مالکیت بالای ۱۵ درصد دارند به عنوان ساختار متمرکز در نظر گرفته شده است.

CEOCHR: این متغیر نشان‌دهنده نفوذ مدیران است و یک متغیر مجازی است. اگر مدیر عامل، عضو هیئت مدیره باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر.

LNASSET: لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها که به عنوان اندازه شرکت و یک متغیر کنترلی وارد مدل شده است.

ATR: نرخ گردش دارایی‌ها (نسب فروش به جمع دارایی‌ها) که یک متغیر کنترلی است.

ROA: بازده دارایی‌ها (نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها) که یک متغیر کنترلی است.

CURR: نسبت دارایی‌های جاری به جمع دارایی‌ها که یک متغیر کنترلی است.

DA: نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها که نشان‌دهنده اهرم مالی شرکت است. اهرم مالی برای محاسبه تفاوت‌های بین روش‌های تامین مالی و به عنوان معیار ساختار سرمایه نیز در نظر گرفته می‌شود.

²⁵ Logit

ABBETA: ضریب بتا (β)، شاخص ریسک سیستماتیک است؛ که از طریق ضریب شیب رگرسیون مدل بازار برای بازده‌های روزانه سهم (R_{it}) و بازده روزانه بازار (R_{mt}) طی یک دوره یکساله، که شروع آن از چهارمین ماه دوره مالی مورد مطالعه است، برآورد می‌شود. فرمول مدل بازار به صورت زیر است:

$$R_{it} = \alpha_i + \beta_i R_{mt} + e_i$$

که در آن α_i و β_i عبارتند از برآورد پارامترها، e_i جمله خطا و:

R_i عبارتست از بازده واقعی روزانه سهم؛ و

R_m نرخ بازده بازار (شاخص قیمت و بازده نقدی) است.

در این تحقیق از ضریب بتا برای کنترل ریسک شرکت استفاده شده است.

۷-۱- تعاریف عملیاتی متغیرها

۷-۱-۱- متغیر وابسته

انتخاب حسابرس: متغیر وابسته این پژوهش انتخاب حسابرس است که بر اساس کیفیت موسسات حسابرسی به دو گروه با کیفیت بالا و با کیفیت پایین طبقه‌بندی شده‌اند. از بین موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، ۱۰ موسسه به عنوان موسساتی انتخاب شدند که کیفیت خدمات حسابرسی آنها بهتر از بقیه موسسات حسابرسی است. این ۱۰ موسسه بر اساس اعلام جامعه حسابداران رسمی ایران، به عنوان موسسات با درآمد بالا انتخاب شده بودند. موسسات حسابرسی با کیفیت بالا را با عدد یک و موسسات حسابرسی با کیفیت پایین را با عدد صفر مشخص کردیم. همانطور که مشاهده می‌شود این متغیر، یک متغیر مجازی یا مصنوعی است که صرفاً دو مقدار را به خود اختصاص می‌دهد. در مدل رگرسیونی لجستیک از نسبت احتمال انتخاب حسابرس با کیفیت به احتمال عدم انتخاب حسابرس با کیفیت ($\frac{PAUD}{1-PAUD}$) به عنوان متغیر وابسته استفاده می‌شود.